



پساختار گرای ژیل دلوز و تعلیم و تربیت

www.ketab.ir

تألیف:

دکتر علی ایمان زاده

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز

انتشارات دانشگاه تبریز

تبریز - ۱۴۰۰

سرشناسه
عنوان و نام پدید آور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

: ایمان زاده، علی، ۱۳۵۶ -
: پسا ساختار گرایی ژیل دلوز و تعلیم و تربیت / علی ایمان زاده.
: تبریز: دانشگاه تبریز، انتشارات، ۱۳۹۸.
: ۱۴۶ ص.
: انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۷۷۲.
: ۱ - ۷۲ - ۸۸۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸ -
: فیبا
: دولوز، ژیل ۱۹۲۵ - ۱۹۹۵ م. نقد و تفسیر
Deleuze, Gilles- Criticism and interpretation :
آموزش و پرورش Education :
فرا تجمدد و آموزش و پرورش Postmodernism and education :
پسا ساختار گرایی Poststructuralism :
: دانشگاه تبریز، انتشارات
LB۱۷ :
: ۳۷۰ :
: ۵۹۷۷۶۵۲ :



انتشارات دانشگاه تبریز

www.ketab.ir

پسا ساختار گرایی ژیل دلوز و تعلیم و تربیت

تألیف:
ویراستار ادبی:
ناشر و فروست:
تاریخ و نوبت چاپ:
شمارگان:
شابک:
قیمت:
طراح جلد:
سایت:

دکتر علی ایمان زاده
دکتر ابراهیم رنجبر
انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۷۷۲
۱۴۰۱-اول
۵۰۰ نسخه
۱-۷۲-۸۸۶۴-۶۰۰-۹۷۸-
/۳۳۰۰۰۰ ریال
فرهود پورنجف
<http://pprs.tabrizu.ac.ir>
اداره چاپ دانشگاه تبریز

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

این اثر مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، منتشر، بخش، عرضه، تکثیر یا تجدید چاپ نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - دانشگاه تبریز - تلفن: ۰۴۱۳۳۳۹۲۶۵۵ و ۰۴۱۳۳۳۹۵۰۰۱
نمابر ۰۴۱۳۳۲۹۴۱۱۹ آدرس پست الکترونیکی: publication@tabrizu.ac.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
---------------	---

فصل اول: دیدگاه‌های فلسفی ژیل دلوز

مقدمه.....	۷
۱-۱- مدرنیته و مدرنیسم.....	۹
۲-۱- ساختارگرایی و پساساختارگرایی.....	۱۰
۳-۱- فیلسوفان پساساختارگرایی.....	۱۳
۱- ژاک دریدا (۱۹۳۰-۲۰۰۴).....	۱۳
۲- ژولیا کریستوا (۱۹۴۱).....	۱۴
۳- میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴).....	۱۴
۴- رولان بارت (۱۹۱۵-۱۹۸۰).....	۱۵
۵- ژان فرانسوا لیوتار (۱۹۲۴-۱۹۹۸).....	۱۶
۶- فلیکس گوتاری.....	۱۶
۴-۱- دلوز و بررسی آثار او.....	۱۶
۵-۱- ویژگی‌های پساساختارگرایی دلوز.....	۲۱
۱-۵-۱- تأکید بر شدن به جای بودن.....	۲۱
۲-۵-۱- قلمروزدایی و بازقلمروسازی.....	۲۲
۳-۵-۱- تأکید بر کثرت‌گرایی.....	۲۴

۸۳	۲-۵-۲- مدل یادگیری مبتنی بر نشانه‌ها
۸۶	۲-۵-۳- یادگیری تعاملی و مشارکتی
۸۹	۲-۵-۴- روش تدریس مبتنی بر ساخت‌شکنی
۹۱	۲-۶-۶- روش‌های تحقیق مبتنی بر دیدگاه دلوز
۹۲	۲-۶-۱- نشانه‌شناسی
۹۵	۲-۶-۲- اقدام پژوهی

فصل سوم: نقد و بررسی

۱۰۱	مقدمه
۱۰۲	۳-۱- نقد دیدگاه معرفت‌شناختی ژیل دلوز
۱۱۰	۳-۲- نقد دیدگاه تربیتی ژیل دلوز
۱۱۲	۱- بازنمایی در فضای ریزماتیک
۱۱۷	۲- سلسله مراتب در فضای ریزماتیک
۱۱۹	۳- نظم و انضباط در فضای ریزماتیک
۱۲۳	منابع

پیش‌گفتار

طی سال‌های دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی در اروپا جریان‌های فکری و نظری متعددی در حوزه‌های مختلف دانش بشری به ویژه در علوم انسانی و علوم اجتماعی پدید آمدند؛ جریان‌هایی که با رواج یافتن آن‌ها، جریان‌های موجود از رونق افتادند. از جمله مهم‌ترین این حرکات می‌توان به ظهور مکتب پسااختارگرایی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در حیات روشنفکری فرانسه اشاره کرد که در واقع جریانی انتقادی در برابر ساختارگرایی به شمار می‌رود. این حرکت جدید، دیدگاه‌ها و نظریات متعددی را در خود جای داده بود. پسا ساختارگرایی بر اصول و نظریات مختلفی بنا شده بود از جمله: شالوده شکنی فلسفی ژاک دریدا و رولان بارت، نظریه‌های روان‌کاوانه پسا فرویدی و پسیونگی ژاک لاکان و ژولیا کریستوا، نقدها و چالش‌های تاریخی میشل فوکو، مفاهیم زبانی - روانی ژیل دلوز و فلیکس گوتاری، و آثار فلسفی، سیاسی، فرهنگی و ادبی نویسندگانی چون ژان فرانسوالیوتار و ژان بودریار و دیگر نویسندگان مکتب پسااختارگرایی. پسااختارگرایی با رد داعیه‌های مکتب ساختارگرایی در خصوص عینیت، قطعیت و جامعیت و کنار گذاشتن و نفی و طرد این قبیل داعیه‌ها، راه تازه‌ای را برای تحقیقات و پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی گشود، یعنی به جای مفاهیم واحد یکدست کلی، جامع و جهان‌شمول یا همگانی پذیرفته شده در ساختارگرایی، برکثرت، چندگانگی، جزئیت، پراکندگی، نفی سلسله مراتب، نفی دوالیسم و قطب‌بندی‌ها و تقابلیات تأکید می‌ورزد.

پسااختارگرایی در درون جریان کلی‌تری به نام پست‌مدرن بررسی می‌شود که اصول و مبانی آن عمدتاً همان اصول و مبانی پسااختارگرایی است و در اصول و مبانی آن تغییر و تعدیل‌های زیادی وارد کرده بودند.

پست‌مدرنیسم در طی سال‌های سه دهه آخر قرن بیستم سر بر آورد. گرچه بسیاری از نظریه‌پردازان، منتقدان و شارحان پست‌مدرن در تبویت تاریخی و ریشه‌یابی زمانی و تاریخی

این مفهوم، به دهه آخر قرن نوزدهم و دهه نخست قرن بیستم اشاراتی دارند. بازتاب اولیه این جریان را قبل از هر حوزه باید در عرصه هنر به طور اعم و معماری به طور اخص مشاهده نمود. پس از آن در حوزه های نقد ادبی، نقد هنری، نقاشی، فیلم و ... نیز می توان نخستین رویکردهای پست مدرن را دید. در تمامی این حوزه ها رویکرد پست مدرن قبل از هر چیز بیانگر نوعی واکنش علیه مدرنیسم و به تعبیری نوعی حرکت یا انحراف یا گسست و فاصله گرفتن از آن به شمار می رود و اساس آن را باید در عدم اعتماد یا ناپاوری کلی و عمومی نسبت به هرگونه نظریه ها و کاربست های کلان، نفی هرگونه ایدئولوژی ها، آموزه ها، اعتقادات، دکترین ها و در یک کلام نفی هرگونه فرا روایت ها یا روایت های کلان در تمامی عرصه های دانش، شناخت و معرفت بشری دانست. علاوه بر این، به تبع این نوع نگرش سلبی و برخورد نفی با پارادایم های معرفتی، وجود نوعی رابطه پیچیده، ابهام آمیز، دوگانه، معضل آفرین و لاینحل با پارادایم های مذکور نیز از دیگر هسته های اصلی و کانون محوری نظریه پست مدرن به شمار می رود. از دیگر ویژگی ها و شاخصه های بارز نظریه پست مدرن می توان به ترکیب عامدانه و آگاهانه سبک ها و قراردادهای سنت های پیشین، و ادغام تصاویر متنوعی که بیانگر مصرف گرایی فرایند تولید انبوه، ارتباطات انبوه و انفجار و سرریز اطلاعاتی جامعه پسا صنعتی یا جامعه سرمایه داری صنعتی و غیره اشاره کرد (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۰۵ - ۱۸۱).

جنبش فکری پسا ساختارگرایی بر اکثر حوزه علوم انسانی وارد شده و تعلیم و تربیت نیز به عنوان شاخه ای از علوم انسانی در همه دورانان تحت تأثیر جریانان و تحولات اجتماعی بوده است. در عصر حاضر نیز آموزه های مدرنیته و پست مدرنیته و پسا ساختارگرایی حوزه های تعلیم و تربیت را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

ورود پست مدرنیسم به عرصه تعلیم و تربیت مسائل، پرسش ها و نگرش های جدیدی را ایجاد کرده است. نظریه پردازان پست مدرن بر آنند که بحرآنانی اخیر در حوزه تعلیم و تربیت را با دیدگاه های خود مورد بحث و بررسی قرار داده، برای آنان راه حل ارائه کنند.

یکی از فیلسوفان پست مدرن و پسا ساختارگرایی پایان قرن بیستم که تأثیر زیادی بر دیگر فیلسوفان این نحله گذاشته است، ژیل دلوز فرانسوی است. اگرچه ژیل دلوز فیلسوف تعلیم و تربیت نبوده و چندان در مورد تعلیم و تربیت سخن نگفته است، گستردگی و جامعیت اندیشه های فلسفی و معرفت شناختی ژیل دلوز آن قدر زیاد است که بزرگانی چون میشل فوکو، رولان بارت و لیوتار از او تأثیر پذیرفته اند و معتقدند دهه ۱۹۷۰ دهه سیطره دلوز بر محافل روشن فکری فرانسه بود و میشل فوکو قرن بیستم را قرن دلوز می نامد (سمتسکی، ۲۰۰۳: ۲۱۱).

دیدگاه‌های ژیل دلوز ممکن است که در روشنگری و راهنمایی بسیاری از چالش‌ها و مسائل تعلیم و تربیت و به خصوص تعلیم و تربیت خودمان موثر واقع بوده باشد. دیدگاه‌های او در باب ریزوم و تفکر ریزوماتیک در برابر تفکر درختی، انواع فضا، نشانه‌شناسی، فولدینگ، میل اسکیزوئیدی در برابر میل پارانوئیدی، تأکید او بر کثرت‌گرایی، تفاوت و ناهمسانی، توجه به اقلیت‌های به حاشیه رانده شده، نمادیسیم و کوچ‌گرایی و مباحث دیگر شاید راه‌حلی مناسب برای اکثر چالش‌های تعلیم و تربیت کشورمان باشد.

استعاره ریزوم به خوبی منظور دلوز را از تفاوت، شدن و کثرت نشان می‌دهد. در حقیقت دلوز با این استعاره‌اش بین دو نوع تفکر ریزومی و تفکر درختی تمایز قایل می‌شود. در رویکرد ریزوماتیک وحدت جای خود را به کثرت می‌دهد و سلسله مراتب دیرین واژگون و آنچه اصل است، به فرع تبدیل می‌شود. تفکر درختی خصلتی خطی، سلسله مراتبی و ایستا دارد و از برش‌ها و تقسیم‌بندی‌ها و خط‌مشی‌های بین امور حکایت دارد. به نظر دلوز تفکر درختی همان فلسفه بودن است، حال آن‌که تفکر ریزومی فلسفه شدن، متکثر، غیر خطی، پویا، و در جهات مختلف و مرتبط با خطوط دیگر تفکر است و درواقع از مرزبندی‌ها و تقسیم‌بندی‌های تفکر درختی خبری نیست.

درک کامل دیدگاه کثرت‌گرایی دلوز مستلزم درک فلسفه فولدینگ اوست. فولد یعنی چین‌ها و لایه‌های هزار تو. یعنی قرار گرفتن هر لایه در کنار لایه دیگر. همه چیز در کنار هم است و هیچ اندیشه‌ای بر دیگری ارجحیت ندارد. تفسیری بالاتر و فراتر از دیگری نیست و همه چیز افقی است. به عبارت دیگر فولدینگ می‌خواهد منطق دو ارزشی را ساخت‌زدایی و کثرت و تنباین را جایگزین آن کند. فولدینگ، عمودی‌گرایی، طبقه‌بندی و سلسله مراتب را مردود می‌داند و بجای آن افقی‌گرایی را مطرح می‌کند. از نظر فولدینگ همه چیز هم سطح همدیگر است. دلوز و گوتاری میل اسکیزوئیدی را خطری جدی برای سرمایه‌داری می‌دانند و فرایند اسکیزوئیدیک را زمینه‌رهایی پست‌مدرنیسم عنوان می‌کنند. به تعبیر دیگر ذهنیت اسکیزوئیدی نیرویی واژگون کننده برای مدرنیسم و سرمایه‌داری به شمار می‌رود و فرایند اسکیزوئیدیک خصلتی محور گریز دارد (ضمیران، ۱۳۸۳: ۵۳). این میل، هنجارشکن، انقلابی و ضد اجتماعی است. منظور از انسان اسکیزوئیدی کسی است که خود را در چهارچوب نظام‌های بسته و انعطاف‌پذیر فکری و اجتماعی و سیاسی محبوس نمی‌کند و در برابر ادیبی شدن مقاومت می‌ورزد.

ورود پست‌مدرنیسم به عرصه تعلیم و تربیت ایران، با این‌که چالش‌های جدیدی را ایجاد می‌کند، در عوض ممکن است بسیاری از مسائل و چالش‌هایی را که تاکنون وجود داشته اند، نیز قابل حل سازد و برای آن چالش‌ها راه‌حل‌هایی ارائه کند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به

موارد زیر اشاره کرد: تکرر فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، نژادها، وجود اقلیت‌های متعدد در کشور و در نتیجه لزوم توجه به یک نوع تعلیم و تربیت چند فرهنگی ضمن حفظ هویت ملی، فقدان تفکر و روش فلسفی در بین دانش‌آموزان، استفاده از روش‌های منسوخ در آموزش روش‌های تفکر در مدارس، استفاده از نظام برنامه‌ریزی متمرکز و خطی به جای توجه به رویکردهای انعطاف‌پذیر و پویا، عدم مشارکت دانش‌آموزان و معلم و اولیا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعلیم و تربیت، متناسب نبودن محتوای برنامه‌های درسی با تغییرات تکنولوژیکی و ... از مسائلی است که تعلیم و تربیت ما در طول سالیان دراز با آن دست به گریبان بوده و تا اکنون نیز ادامه دارد.

از زمان ایران باستان تاکنون فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، نژادها و اقلیت‌های متفاوتی در ایران زندگی کرده‌اند. در کشوری که از اقلیت‌های قومی و نژادی و زبانی مختلفی تشکیل شده است، خطر به حاشیه رانده شدن اقلیت‌ها وجود دارد و در صورت تحقق آن امکان نظام تربیتی عدالت محور وجود نخواهد داشت. وجود اقوام و اقلیت‌های متعدد کرد، لر، ترک، بلوچ، عرب و غیره در ایران مستلزم این است که نگاه جدیدی به تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی و ساختارهای تصمیم‌گیری بیندازیم تا نظام تعلیم و تربیت مطلوب تحقق یابد. تعلیم و تربیت مطلوب آن است که در آن ضمن حفظ هویت ملی صدای بانی خرده فرهنگ‌ها نیز شنیده شود و در متون درسی‌شان ردپای گرایش‌های مختلف منعکس گردد. عدم توجه به فرهنگ‌های دیگر، تعلیم و تربیت را به سوی حاکمیت یک نوع فرهنگ مسلط در تعلیم و تربیت سوق می‌دهد و آن‌را به یک نوع کلیت‌گرایی، که ویژگی تعلیم و تربیت مدرن است، سوق می‌دهد. در آن صورت کار اصلی آموزش و پرورش چیزی جز انتقال فرهنگ مسلط بر جامعه نیست و خرده فرهنگ‌ها به حاشیه می‌روند (باقری، ۱۳۸۱: ۶۰۳). یکی دیگر از چالش‌های نظام تربیتی موجود در ایران حاکمیت روش‌های سنتی و خطی تفکر به جای تفکر ریزومی در مدارس است. امروزه مدارس کشورمان از مهمترین رسالت اصلی خود دور افتاده و بیشتر به مراکز و موسساتی برای انتقال دانش به حافظه دانش‌آموزان و پر کردن ذهن آنان به جای پروراندن آن تبدیل شده‌اند. همچنین تغییر و تحولات جامعه، تغییر مداوم ارزش‌ها را به دنبال دارد. در جامعه‌ای که در حال تغییر است و ارزش‌ها ثابت نیستند، آنچه می‌تواند به یاری کودکان در برخورد با چالش‌های ارزشی بیاید، درست اندیشیدن و پرورش قوه تحلیل و قضاوت است که مستلزم تفکری ریزوماتیک بوده، با تفکر درختی حاکم بر مدارس در چالش اساسی است. در واقع این تحقیق به دنبال این است که آیا دیدگاه‌های دلوز می‌تواند برای چالش‌های گفته شده راه‌حلی ارائه کند؟ آیا فلسفه فولدینگ و ناهمسانی دلوز می‌تواند چالش تعدد و تکرر قومی، نژادی و زبانی را تبیین کند به طوری که هر اقلیتی ضمن حفظ هویت خود با اقلیت‌ها و فرهنگ‌های دیگر در تعامل باشد؟ آیا رویکرد ریزوماتیک دلوز در تعلیم و تربیت قادر به تبیین و رفع

چالش‌هایی مثل تمرکزگرایی و حاکمیت تفکر خطی و سلسله مراتبی در نظام تعلیم و تربیت است؟ و بالاخره دیدگاه‌های دلوز در باب تفکر ریزومی، نقش فلسفه، توجه به اقلیت‌های به حاشیه رانده شده، اندیشه ایللیاتی، لزوم آموزش مفاهیم و نشانه‌ها، جایگاه زبان و ارتباط در اندیشه او، تأکید او بر فلسفه فولدینگ، میل اسکیزوئیدی در مقابل میل پارانوئی، توجه به اصولی مانند تفاوت و ناهمسانی، شدن و ارتباط افقی که در زمینه تعلیم و تربیت افق جدیدی ایجاد خواهد کرد و تعلیم و تربیت را با مواضع متفاوتی روبه‌رو خواهد کرد، چه دلالت‌ها و رهنمودهایی برای اصول تعلیم و تربیت، روش‌های یاددهی-یادگیری، روش‌های تحقیق و پژوهش در تعلیم و تربیت و برنامه درسی خواهد گذاشت؟

در مورد پسااختارگرایی و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت، تحقیقات چندان جامع و منسجمی صورت نگرفته است و این فقدان به ویژه در مورد دیدگاه‌های ژیل دلوز به عنوان یکی از بزرگترین فیلسوفان پسااختارگرا نمود بیشتری دارد. لذا در این کتاب پس از تبیین دیدگاه‌های پسااختارگرایی ژیل دلوز به استنتاج دلالت‌های تربیتی از دیدگاه‌های او پرداخته‌ایم.

کتاب حاضر با توجه به نو بودن موضوع، بی‌تردید ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز دارد که راهنمایی‌های دوستان و خوانندگان گرامی این ضعف‌ها را به حداقل خواهد رساند. در پایان وظیفه خود می‌دانم که از استادان بزرگوار، آقایان دکتر سید مهدی سجادی، دکتر محسن ایمانی نائینی، دکتر خسرو باقری نوع‌پرست، دکتر آموزیم، دکتر ریان و دکتر دراموند که در بخش‌های مربوط به تعلیم و تربیت دلوزی راهنمایی‌های ارزنده‌ای داشتند، تشکر ویژه‌ای داشته باشم. از دکتر ابراهیم رنجبر که در ویراستاری این کتاب زحمات زیادی را متقبل شدند و همچنین از کلیه دست‌اندرکاران چاپ و انتشار این کتاب بخصوص مسئولین انتشارات دانشگاه تبریز، صمیمانه تشکر می‌کنم.

علی ایمانزاده